

بررسی رابطه بین سرمایه در گردش و بازده حقوق صاحبان سهام بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی خواجوی^۱، کریم نخعی^۲ (نویسنده مسئول)، حبیب اله نخعی^۳

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند / دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، m65khajavi@gmail.com

^۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند / عضو هیئت علمی گروه حسابداری ، nakhaei1360@yahoo.com

^۳ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند / استادیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری ، h.nakhaei48@yahoo.com

چکیده

در اقتصاد پرچالش کنونی با فشارهای فزاینده محیطی و منابع خارجی محدود، سرمایه در گردش از اهمیت زیادی برخوردار است. مدیریت بهینه سرمایه در گردش بنگاه ها می تواند به عنوان یک مزیت رقابتی برای آنها محسوب شود. بانک ها می توانند سطح بهینه ای از سرمایه در گردش را دارا باشند که ارزش آنها را بیشینه نماید چرا که بخش عظیمی از سرمایه سازمان را به خود اختصاص می دهد. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و بازده حقوق صاحبان سهام بانک های ایرانی می باشد. این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بوده و مبتنی بر تحلیل داده های تابلویی است. نمونه مورد بررسی شامل ۱۹ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ است. نتایج آزمون فرضیه های تحقیق نشان می دهد که سرمایه در گردش بانک ها بازده حقوق صاحبان سهام را افزایش می دهد.

واژه های کلیدی

سرمایه در گردش، بازده حقوق صاحبان سهام ، بانک، بورس اوراق بهادار تهران

مقدمه

مدیریت سرمایه در گردش بیانگر سیاست ها و تصمیماتی است که در بخش سرمایه در گردش به منظور تغییر در انواع دارایی های جاری و منابع تأمین مالی کوتاه مدت اعمال می شود. کنترل صحیح این بخش می تواند تأثیر بسزایی بر سودآوری شرکت داشته باشد [۱]. مدیریت سرمایه در گردش به خاطر تأثیرش روی ریسک و سوددهی شرکت و در نتیجه ارزش موسسه از اهمیت ویژه ای برخوردار است [۸]. بخش بانکی نقش مهمی در رشد سیستم مالی ایفا می کند، اما در حال حاضر صنعت بانکداری با چالش های بسیاری از جمله الزامات نظارتی، نقدینگی و سرمایه ی در گردش مواجه است که به طور قابل توجهی بر صنعت بانکداری تأثیر می گذارد. این چالش ها خواستار تصمیمات عاقلانه برای حل مشکلات، که برای پایداری هر سازمانی حائز اهمیت است و بدین ترتیب نه تنها ریسک ورشکستگی را کاهش می دهد بلکه سودآوری بانک ها را افزایش می دهد. همواره بین دو گروه تضاد منافع وجود دارد: گروه هایی که برای بانک تأمین اعتبار می کنند (سپرده گذاران /

سرمایه گذاران) و در سرمایه گذاری های خود انتظار سودآوری بالایی دارند. دوم، مدیریت بانک که برای مدیریت تراز نقدینگی با مشکلاتی مواجه است تا با نظارت و بررسی اهرم مالی و سرمایه ی در گردش به سودآوری بیشتر دست یابد. سرمایه در گردش یکی از مهم ترین عوامل برای حفظ نقدینگی، سودآوری و رشد پایدار در تجارت است [۱۲].

رحمان و نصر^۱ (۲۰۰۷) توصیه می کنند که سازمان هایی که موجودی نقد و مطالبات خود را مدیریت می کنند، توانایی بیشتری در بهره وری را از منابع خود می برند. علاوه بر این، ریچی و ویتو^۲ (۲۰۰۰) اظهار داشتند که پرداختن به سوابق فعلی شرکت برای دستیابی به توازن مالی در دوران سودآوری و زیان انگیزه ای برای مدیریت سرمایه ی در گردش می باشد.

سرمایه در گردش مسئله مهمی در طی تصمیم گیری های مالی است، زیرا بخشی از سرمایه گذاری در دارایی می باشد که نیازمند سرمایه گذاری مالی مناسبی می باشد [۸]. با این حال، سرمایه در گردش همیشه در تصمیم گیری های مالی نادیده گرفته می شود، زیرا مستلزم سرمایه گذاری و تأمین منابع مالی در دوره کوتاه مدت می باشد. شرکت ها از طریق به حداقل رساندن سرمایه گذاری خود در سرمایه در گردش به جستجوی نقدینگی و بازدهی عملیاتی می پردازند [۱۵]. با این حال، این سوال پیش می آید که آیا مدیریت سرمایه در گردش می تواند به سودآوری شرکت و ارزش سهام کمک کند؟

پیشینه پژوهش

اعجاز^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه ای به بررسی تأثیر سرمایه ی در گردش و ساختار مالی در سودآوری بخش بانکداری پرداختند. در این تحقیق، از تحلیل برآورد روش حداقل مربعات (GLS) در ۵ بانک اسلامی طی سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۴ و ۱۵ بانک عادی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ استفاده شده است. شواهد آن ها نشان داد بین

¹ Raheman & Nasr

² Ricci & Vito

³ Ijaz